

حرکت در الف سدی باید
 بی دقتی را اگر کسی تو را ز
 لیکت که نوشتش کوه
 کن به جیم را و نقطه و نیم
 چون تجسیم را در سینه آید
 مبین بچشم و دقتی دراز
 این دو مصراع اگر بگردد
 وان بصرین چو بی فسیلی
 سببیتی که با صعدوی و
 این دو فسیلی بود در صادی
 که چنان سه دورا بنوع و کر
 می توان رسم نوشتش سان
 الف کافا و زاز اولیت
 می بود ال فنی و ذو صاین
 بعد سه تا که بود خوبت
 می توان سیم سنی و صاین
 دوسه نوعی که بود با نیز
 در بیان اصلاح خط
 نیست اصلاح خط پسندیده
 نزاد است و نیست سنجیده

که بود پیش تدرجی چند
 باغ و راز است که اصلاح
 نمی از تسم تراش اصلاح
 در بیان شش کردن خط نسخ اعلی تا خط خوب کرد
 خلق را به نفس و این شوی
 خط خط مقام خود سازی
 ترک را به خوب باید کرد
 سر که با خود عامه سه سودن
 ناز زده های خوش کنش
 تیر با نفس بر جدل کردن
 تا بدانی جاد و صوحیت
 و آنچه با خود روانی داری
 دل میار از کفایت زخار
 سه وقت آفتاب و چنان
 از حسد دور باش اول حسد
 و در خود کن فاعت و طاعت
 حیل و مکر را شعار کن
 که از مکر و حسد و عیس
 و از مکر که استغاثی لیت
 که با صلاح باشد ان درند
 دور می باش یکبار می باش
 کتا با نرپه کار به صلاح
 خلق را به نفس و این شوی
 خط خط مقام خود سازی
 ترک را به خوب باید کرد
 سر که با خود عامه سه سودن
 ناز زده های خوش کنش
 تیر با نفس بر جدل کردن
 تا بدانی جاد و صوحیت
 و آنچه با خود روانی داری
 دل میار از کفایت زخار
 سه وقت آفتاب و چنان
 از حسد دور باش اول حسد
 و در خود کن فاعت و طاعت
 حیل و مکر را شعار کن
 که از مکر و حسد و عیس
 و از مکر که استغاثی لیت
 که با صلاح باشد ان درند
 دور می باش یکبار می باش
 کتا با نرپه کار به صلاح